

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشکده علوم اجتماعی

گروه حقوق

احکام و آثار فرزند خواندگی در فقه، حقوق ایران و انگلیس

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته حقوق

گرایش حقوق خصوصی

لیلا همانلو

استاد راهنما:

دکتر مسعود البرزی ورکی

استاد مشاور:

دکتر مهرزاد ابدالی

مهر ۱۳۹۳

تقدیم بابوسه بردستان پدر و مادرم

که در سختی ما و دشواری های زندگی، همواره یآوری دلسوز و فداکار و پشتیبانی محکم و

مطمئن برایم بوده اند.

باساس و قدردانی فراوان از استاد محترم، جناب آقای دکتر البرزی ورکی که
بایاری ها و راهنمایی های بی دریغشان بسیاری از سختی ها را بر ابرام آسان تر نمودند.



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

معاونت آموزشی - مدیریت تحصیلات تکمیلی

فرم تأییدیه هیأت داوران جلسه دفاع از پایان نامه / رساله (فرم شماره ۳۰)

بدین وسیله گواهی میشود جلسه دفاعیه از پایان نامه کارشناسی ارشد **لیلا همانلو** دانشجوی رشته حقوق گرایش حقوق خصوصی تحت عنوان احکام و آثار فرزندخواندگی در فقه، حقوق ایران و انگلیس در تاریخ ۱ / ۷ / ۱۳۹۳ در دانشگاه برگزار گردید و این پایان نامه / رساله با نمره به عدد ۱۹، - و به حروف **نوزدهم** با درجه مورد تأیید هیئت داوران قرار گرفت.

ردیف	سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا مؤسسه	امضا
۱	راهنما	جناب آقای دکتر مسعود البرزی ورکی	استادیار		
۲	مشاور	جناب آقای دکتر مهرزاد ابدالی	استادیار		
۳	داور	جناب آقای دکتر محمد هادی ساعی	استادیار	دانشگاه بین المللی امام خمینی	
۴	نماینده تحصیلات تکمیلی	جناب آقای دکتر مرتضی طاهری	استادیار		
۵					

* در صورت وجود استاد راهنمای دوم برای پایان نامه / رساله، یک ردیف با عنوان استاد راهنمای دوم، ذیل ردیف استاد راهنما اضافه شود.

تذکر: این برگه پس از تکمیل توسط هیأت داوران، در پایان نامه / رساله درج می گردد.



تعه‌دنامه اصالت اثر

اینجانب **لیلا همانلو**، دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته **حقوق**، گرایش **حقوق خصوصی**، که در تاریخ **۱۳۹۳/۷/۱** از پایان‌نامه‌ی خود تحت عنوان **«احکام و آثار فرزند خواندگی در فقه، حقوق ایران و انگلیس»** با کسب درجه‌ی **عالی** دفاع کرده‌ام، شرعا و قانونا متعهد می‌شوم:

۱. مطالب مندرج در این پایان‌نامه، حاصل تحقیق و مطالعه اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران اعم از پایان‌نامه، کتاب، مقاله و غیره استفاده کرده‌ام، با رعایت کامل امانت، مطابق مقررات، اقدام به ارجاع در متن و ذکر آن در فهرست منابع و مآخذ نموده‌ام.
۲. تمامی یا بخشی از این پایان‌نامه قبلا برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی به سایر دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
۳. مقالات مستخرج از این پایان‌نامه کاملا حاصل کار اینجانب بوده و از هرگونه جعل داده و یا تغییر اطلاعات پرهیز کرده‌ام.
۴. از ارسال همزمان و یا تکراری مقالات مستخرج از این پایان‌نامه (با بیش از ۳ درصد همپوشانی) به مجلات و یا همایش‌های گوناگون خودداری نموده و می‌نمایم.
۵. کلیه حقوق مادی و معنوی حاصل از این پایان‌نامه متعلق به دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) بوده و متعهد می‌شوم هرگونه بهره‌مندی و یا نشر دستاوردهای حاصل از این تحقیق اعم از چاپ کتاب، مقاله، ثبت اختراع و غیره (چه در زمان دانشجویی و یا بعد از فراغت از تحصیل) با کسب اجازه از استاد (استادان) راهنما باشد.
۶. در صورت اثبات تخلف و نقض موارد پنجگانه فوق (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) از درجه اعتبار ساقط و اینجانب هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

لیلا همانلو

نام و نام خانوادگی دانشجوی

امضاء



سوگندنامه دانش آموختگان کارشناسی ارشد دانشگاه بینالمللی امام خمینی (ره)

به نام خدا

سپاس ایزد منان را که مرا مشمول الطاف خویش نمود که با طی مراحل تحصیل موفق به اخذ درجه کارشناسی ارشد شوم. به شکرانه این نعمت بزرگ الهی که با امکانات این مرز و بوم، فراهم و نزد اینجانب به امانت گذاشته شده است، در پیشگاه ملت ایران به کتاب آسمانی خود، قرآن کریم، سوگند یاد می کنم که:

- در سراسر زندگی حرفه ای، در راه اعتلای کشور ایران و جامعه بشری به نحو احسن قدم برداشته و در این راه از هیچ تلاشی دریغ ننمایم.
- در تمام فعالیت های تخصصی، رضای خدا را همراه با صداقت علمی و اجتماعی در نظر داشته و از موقعیت های به دست آمده در جهت رفع مشکلات جامعه استفاده کنم و در همه ی امور، منافع کشور را بر منافع فردی مقدم بدانم.
- همواره علم و دانش خود را به روز نگاه داشته و در ایفای مسئولیت و تعهدات حرفه ای در حد توان سعی و تلاش خود را به کار گیرم.
- و اینک از خداوند علیم توفیق بندگی و پای بندی به مفاد این سوگندنامه را خواستارم و از او می خواهم که مرا در ایفای رسالت علمی و انسانی خویش موفق بدارد.

نام و نام خانوادگی دانشجو **الله هائلو**

امضاء



«احکام و آثار فرزند خواندگی در فقه، حقوق ایران و انگلیس» لیلا همانلو

مجوز بهره برداری از پایان نامه

کلیه حقوق اعم از چاپ، تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و... از نتایج این پایان نامه برای دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین محفوظ است. بهره برداری از این پایان نامه در چهارچوب مقررات کتابخانه و با توجه به محدودیتی که توسط استاد راهنما به شرح زیر تعیین می شود، بلامانع است:

- بهره برداری از این پایان نامه برای همگان بلامانع است.
- بهره برداری از این پایان نامه با اخذ مجوز از استاد راهنما، بلامانع است.
- بهره برداری از این پایان نامه تا تاریخ ممنوع است.

استاد راهنما می تواند یکی از گزینه های بالا را انتخاب کند و مسئولین کتابخانه موظف به رعایت موارد تعیین شده می باشند.

نام استاد و یا اساتید راهنما:

تاریخ:

امضاء:

چکیده

وجود پدیده بی سرپرستی در هر جامعه امری غیرقابل اجتناب است و فرزند خواندگی (سرپرستی) یکی از موضوعات مهمی است که نه تنها نظام حقوقی ایران، بلکه نظام حقوقی اکثر کشورها از جمله انگلیس با آن روبرو هستند. پذیرش کودکان بی سرپرست و یتیمان به فرزندای امری نیکو و پسندیده است که گاه به منظور کمک به ایشان و گاه برای اهداف دیگر، از قبیل رفع نیاز عاطفی افراد بدون فرزند از دیرباز در جوامع بشری مرسوم بوده است. از این رو پذیرفتن فردی که فرزند واقعی و طبیعی زوجین محسوب نمی گردد، تحت عنوان فرزند خواندگی در جوامع گوناگون از سابقه ای طولانی برخوردار است. با توجه به سابقه طولانی و دیدگاه های مختلف و شیوه های متفاوت با موضوع، فرزند خواندگی در زمان ها و نظام های حقوقی مختلف، شرایط و آثار متفاوتی دارد. با صدور حکم فرزند خواندگی (سرپرستی)، حقوق و تکالیفی برای پذیرندگان و کودک پذیرفته شده به وجود می آید که این حقوق و تکالیف در حقوق ایران و انگلیس در برخی از موارد مشابه و در پاره ای موارد متفاوت اند. از مهمترین این حقوق و تکالیف، می توان به ولایت، حضانت، تعهد به انفاق، توارث و مسئله منع یا جواز نکاح میان پذیرندگان و کودک اشاره نمود، که حدود آثار یاد شده در حقوق ایران و انگلیس با یکدیگر بسیار متفاوت است.

در تحقیق حاضر، پس از روشن شدن مفهوم فرزند خواندگی و شرایط آن، آثار فرزند خواندگی را مورد مطالعه قرار می دهیم. امید است این تحقیق ناچیز در راستای رفع نواقص و ابهامات موجود در این زمینه مفید واقع شود.

واژگان کلیدی:

فرزند خواندگی، سرپرستی، حقوق ایران، حقوق انگلیس، آثار مالی، آثار غیر مالی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۵.....	فصل اول: کلیات
۶.....	۱-۱- تعاریف و مفاهیم
۶.....	۱-۱-۱- مفهوم فرزند خواندگی
۶.....	۱-۱-۱-۱- مفهوم لغوی
۸.....	۱-۱-۱-۲- مفهوم اصطلاحی
۱۱.....	۱-۱-۲- مفاهیم و اصطلاحات مرتبط
۱۱.....	۱-۱-۲-۱- مفهوم قرابت
۱۲.....	۱-۱-۲-۲- مفهوم نسب
۱۳.....	۱-۱-۲-۳- مفهوم ولد
۱۵.....	۱-۱-۲-۴- مفهوم خانواده
۱۷.....	۱-۱-۲-۵- مفهوم کودک و نوجوان
۲۰.....	۱-۱-۲-۶- مفهوم کودک و نوجوان بی سرپرست
۲۲.....	۱-۱-۲-۷- مفهوم کودک و نوجوان بدسرپرست
۲۳.....	۱-۱-۲-۸- مفهوم حمایت
۲۵.....	۱-۲- ضرورت فرزند خواندگی
۲۸.....	۱-۳- سیر تحول فرزند خواندگی
۲۹.....	۱-۳-۱- تمدن های باستان
۳۲.....	۱-۳-۲- پیش از اسلام
۳۴.....	۱-۳-۳- در حقوق اسلام
۳۹.....	۱-۳-۴- در حقوق ایران
۴۱.....	۱-۳-۵- در حقوق انگلیس
۴۳.....	فصل دوم: تحقق فرزند خواندگی
۴۵.....	۱-۲- شرایط پذیرندگان
۴۵.....	۱-۱-۲- شرایط مشترک در فقه، حقوق ایران و انگلیس
۴۵.....	۱-۱-۱-۲- وضعیت تأهل

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴۸	۲-۱-۱-۲- تراضی زوجین سرپرست
۴۹	۲-۱-۱-۳- شرط سنی
۵۱	۲-۱-۱-۴- اهلیت
۵۲	۲-۱-۱-۵- سلامت جسمی و اخلاقی
۵۵	۲-۱-۱-۶- تمکن مالی
۵۸	۲-۱-۱-۷- اشتراکات دینی
۵۹	۲-۱-۲- شرایط مختص فقه و حقوق ایران
۵۹	۲-۱-۲-۱- تدین و تقید
۶۰	۲-۱-۲-۲- نداشتن فرزند
۶۳	۲-۱-۲-۳- تابعیت ایران
۶۴	۲-۱-۳- شرایط مختص حقوق انگلیس
۶۴	۲-۱-۳-۱- اشتراکات فرهنگی، قومی، نژادی و زبانی
۶۶	۲-۱-۳-۲- اقامت در انگلیس
۶۷	۲-۲- شرایط شخص قابل پذیرش
۶۷	۲-۲-۱- شرایط سنی
۶۹	۲-۲-۲- وضعیت سرپرستان کودک
۷۰	۲-۳- تشریفات و آیین دادرسی
۷۱	۲-۳-۱- دادگاه صالح
۷۱	۲-۳-۲- مراجع مربوط به سرپرستی یا فرزند خواندگی
۷۳	۲-۳-۳- نحوه واگذاری
۷۶	۲-۴- استمرار فرزند خواندگی
۷۹	فصل سوم: آثار غیرمالی فرزند خواندگی
۸۱	۳-۱- ولایت
۸۱	۳-۱-۱- مفهوم ولایت
۸۳	۳-۱-۲- حدود ولایت
۸۶	۳-۱-۳- محدوده اثر
۹۰	۳-۲- حضانت

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹۰	۱-۲-۳- مفهوم حضانت
۹۲	۲-۲-۳- حدود حضانت
۹۴	۱-۲-۲-۳- تربیت
۹۵	۲-۲-۲-۳- نگاهداری
۹۵	۳-۲-۳- رابطه ولایت و حضانت
۹۶	۴-۲-۳- محدوده اثر
۱۰۱	۳-۳- تسری نام خانوادگی
۱۰۴	۴-۳- تابعیت
۱۰۶	۵-۳- محرمیت و منع یا جواز نکاح با فرزند خوانده
۱۰۷	۱-۵-۳- دیدگاه فقه سنتی
۱۰۹	۲-۵-۳- رویکرد های جدید فقهی
۱۱۲	۳-۵-۳- محدوده اثر
۱۱۳	۱-۳-۵-۳- رابطه فرزند خوانده با اعضای خانواده حقیقی
۱۱۳	۲-۳-۵-۳- رابطه فرزند خوانده با اعضای خانواده حکمی (پذیرنده)
۱۱۶	۴-۵-۳- آسیب شناسی موضوع
۱۱۹	فصل چهارم: آثار مالی فرزند خواندگی
۱۲۰	۱-۴- تعهد به انفاق
۱۲۰	۱-۱-۴- مفهوم نفقه
۱۲۱	۲-۱-۴- حدود تعهد به انفاق
۱۲۶	۳-۱-۴- رابطه نفقه و حضانت
۱۲۷	۴-۱-۴- تعهد به انفاق در فرزند خواندگی
۱۲۷	۱-۴-۱-۴- در رابطه کودک با پذیرندگان
۱۳۳	۲-۴-۱-۴- در رابطه کودک و والدین
۱۳۳	الف - وظیفه ابویین در قبال کودک
۱۳۶	ب- وظیفه کودک نسبت به ابویین
۱۳۷	۳-۴-۱-۴- در رابطه غیرمستقیم ناشی از فرزند خواندگی
۱۳۹	۲-۴- توارث

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۴۰.....	۴-۲-۱- مفهوم ارث
۱۴۱.....	۴-۲-۲- مفهوم ترکه
۱۴۲.....	۴-۲-۳- تحقق ارث
۱۴۷.....	۴-۲-۴- گزینش رویکرد
۱۴۸.....	۴-۲-۴-۱- آمرانه و غیرقابل تغییر بودن قواعد ارث
۱۴۹.....	۴-۲-۴-۲- ممنوعیت ارث مضاعف
۱۵۱.....	۴-۲-۵- توارث در فرزند خواندگی
۱۵۱.....	۴-۲-۵-۱- توارث در فرزند خواندگی در فقه و حقوق ایران
۱۵۸.....	۴-۲-۵-۲- توارث در فرزندخواندگی در حقوق انگلیس
۱۶۱.....	نتیجه گیری
۱۶۶.....	منابع و مراجع
۱۷۴.....	پیوست شماره ۱
۱۷۷.....	پیوست شماره ۲
۱۸۴.....	پیوست شماره ۳
۱۹۲.....	پیوست شماره ۴
۱۹۵.....	Abstract

مقدمه

عشق و علاقه به فرزند همواره در میان بشر جایگاه خاصی داشته است. والدین همیشه سعی داشته اند تا زندگی خوبی برای فرزندان خود تدارک ببینند. از سوی دیگر، کودکان به عنوان یکی از اقشار آسیب پذیر جامعه همواره مورد توجه بوده اند و یکی دغدغه های مهم حقوقدانان و جامعه شناسان حمایت از آن ها و حفظ حقوق ایشان می باشد. کودکان که سرنوشت جامعه فردا را رقم می زنند، زمانی می توانند فردی سالم و فعال بوده و در راستای رشد و تعالی خود و جامعه خویش قدم بردارند که در خانواده ای سالم رشد یافته و تربیت شده باشند. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان می باشد. تجربه ثابت کرده است که کودک در محیط خانواده سالم و بهتر رشد نموده و تکامل می یابد. بدیهی است فرزندی که در محیط خالی از عشق و وابستگی خانوادگی بزرگ شوند، در معرض بحران های عاطفی و روحی بسیار قرار خواهند گرفت.

پذیرش کودکان بی سرپرست و یتیمان به فرزندی، خواه به منظور کمک به آنان و خواه در جهت رفع نیازهای معنوی پدر و مادرانی که به هر دلیل فاقد فرزند هستند، از دیرباز در جوامع بشری مرسوم بوده است و از این رو، در جوامع گوناگون از سابقه طولانی برخوردار است.

آنچه در ابتدای کار باید مورد توجه قرار گیرد، جایگاه فرزند خواندگی در فقه امامیه و به تبع آن، حقوق ایران است.

از نظر فقها و برخی حقوقدانان، این نهاد در اسلام به رسمیت شناخته نشده است و به همین دلیل قانونگذار نیز جانب احتیاط را رعایت کرده، قانون را تحت عنوان قانون «حمایت از کودکان...» تدوین نموده است. بنابراین، چه در فقه اسلامی، و چه در حقوق ایران فرزند خواندگی وجود ندارد و آنچه از روی مسامحه در مقالات و کتب اساتید و حقوقدانان محترم فرزند خواندگی نامیده می شود نهاد سرپرستی کودکان بی سرپرست می باشد. در ادامه و بحث از تحقق فرزند خواندگی و آثار آن نیز خواهیم دید که عنوان «سرپرستی»، عنوانی مناسب تر از فرزند خواندگی در حقوق ایران است، اگرچه برخی از مواد قانون، عنوان حمایت و سرپرستی را نیز با تردید روبرو ساخته است.

با توجه به این مطلب، ما در تحقیق حاضر از عنوان فرزند خواندگی استفاده می نمایم.

همانطور که اشاره شد، در حقوق ایران به تبعیت از حقوق اسلامی فرزند خواندگی به رسمیت شناخته نشده است و ایجاد نسب نمی نماید. به همین دلیل در تعریف آن چنین گفته شده است: «فرزند خواندگی آن است که کسی دیگری را به فرزند پذیرد، در حالی که فرزند طبیعی او نیست، بدون آنکه میان آن ها قرابتی ایجاد شود. فرزند خواندگی بعضی از آثار نسب را مطابق قانون به صورت محدود، ایجاد می نماید» (مبین، ۱۳۸۴: ۳۲).

با وجود عدم پذیرش فرزند خواندگی در فقه امامیه، اسلام هرگز کودکان بی سرپرست را رها نکرده و حقوقی برای آن ها در نظر گرفته است و مسلمانان را در برابر آن ها مکلف و مسئول دانسته است. در ایران به دلیل حاکمیت جوّ مذهبی در میان مردم، تا پیش از سال ۱۳۵۳، علی رغم اینکه قانونی در زمینه کودکان بی سرپرست وجود نداشت، خانواده ها یتیمان را در خانه های خود نگهداری می کرده و این کار را امری نیکو تلقی می نمودند و به این ترتیب، کودکان یتیم در میان اقوام و آشنایان خود زندگی می کردند. اما، با افزایش جمعیت و تحولات اجتماعی و فرهنگی و بالا رفتن آمار کودکان بدون سرپرست، قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست در اسفند ماه سال ۱۳۵۳ به تصویب رسید.

آنچه که سابقه مطالعه حقوقی فرزند خواندگی را در ایران به تبع منافع فقهی تشکیل می دهد، توصیف و تحلیلی کهنه و منطبق بر باورهای بدوی در مورد فرزند خواندگی است و بیشتر به مطالعه تاریخی ناقصی از این نهاد می ماند، گویی زمان در برهه ای از تاریخ متوقف شده و اهداف و کارکردها را باید همواره از همان زاویه نگاه کرد.

نتیجه این برخورد، احساس بی نیازی از طرح موضوع و تحصیل این نتیجه بوده که فرزند خواندگی منسوخ و نامشروع است؛ دیدگاهی که، چنانچه اشاره شد، در میان فقها رایج است.

این مساله سبب گردیده که اگر هم بنا باشد بحث مطرح گردد، باید پیرامون نهادی باشد که قانونگذار در عالم اعتبار تأسیس نموده، بنابراین مطالعات حقوقی محدود به قانون یادشده است.

فضای عمومی حاکم بر این قانون، به علت هراس از اتهام به نقض مقررات شرعی، حاوی نوعی اجمال و ابهام گویی است، به نحوی که طی ۱۷ ماده، بدون پرداختن به مسائلی چون محرّمیت، و با تصریح به عدم برقراری توارث، پایان می یابد و جز در مورد ایرانیان غیرشیعه نامی از فرزند خواندگی نمی برد.

با این حال، چنین رویکردی قابل پذیرش نیست؛ اینکه چرا و به چه فلسفه و بر چه مبنایی ساختار دارای مزایای اجتماعی فراوان باید نامشروع باشد، و قانونگذار را وا می دارد تا با استفاده از نام ها و واژگان ظاهر سازی شده، اهداف دیگری را جستجو کند.

در سال ۱۳۸۷ لایحه ای تحت عنوان لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست به مجلس تقدیم شد. این لایحه که در تاریخ ۹۲/۷/۱۰ تحت عنوان «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست»، و با هدف اصلاح قانون سابق به تصویب رسید، اندک حمایت موجود نسبت به کودک را نیز از میان برده و وضع را قابل انتقادتر ساخته است؛ امری که ضرورت بررسی مجدد این نهاد را آشکار می سازد. بر خلاف آنچه در حقوق ایران مطرح نمودیم، در حقوق انگلیس، فرزند خواندگی فرآیندی است که طی آن حقوق و تکالیف قانونی والدین طبیعی کودک پایان یافته و سبب برقراری حقوق و تکالیف یادشده میان کودک و پدرخوانده و مادرخوانده می گردد (Curzon, 2001:410).

تا پیش از سال ۱۹۲۶ که اولین قانون مربوط به فرزند خواندگی در این کشور به تصویب رسید، فرزند خواندگی به صورت غیررسمی و محرمانه صورت می پذیرفت، اما دامنه حقوق و تکالیف میان کودک و پذیرندگان به شکل امروزی آن نبود. طی دهه ها تلاش، قانونگذاران این کشور، قوانین مدونی را در زمینه فرزند خواندگی به تصویب رساندند که مهمترین آن ها، قانون فرزند خواندگی سال ۱۹۷۶ است که در سال ۲۰۰۲، تحت عنوان قانون فرزند خواندگی و کودکان اصلاح گردید.

آنچه که پرسش اصلی و سؤال مبنایی پژوهش حاضر را تشکیل می دهد، با توجه به کارکرد فرزند خواندگی در هر یک از نظام های حقوقی ایران و انگلیس، چگونگی و حدود آثار ناشی از فرزند خواندگی است که در تمامی روابط ناشی از ابوت و بنوت، یعنی: توارث، محرمیت، تسری نام خانوادگی، الزام به انفاق، ولایت و حضانت قابل بحث است. با توجه به تعاریف یاد شده از مفهوم فرزند خواندگی در حقوق ایران (به تبعیت از حقوق اسلامی) و انگلیس، و اثر صدور حکم سرپرستی و فرزندخواندگی در نظام های یاد شده، باید قائل به اجرای برخی آثار نام برده شده در رابطه میان کودک و سرپرستان در حقوق ایران شد. در حقوق انگلیس اما، باید اصل را بر تسری تمامی آثار میان فرزندخوانده و پذیرندگان قرار داد، مگر در مواردی که قانون استثنا نموده باشد. با این حال، پرسش مقدم و نخستین را بحث از مفهوم فرزند خواندگی و تحقق آن تشکیل می دهد. بی تردید مادامی که به مسأله مفهوم و شرایط تحقق فرزند خواندگی پاسخی مناسب داده نشود و ابهامات مطرح در خصوص آن برطرف نگردد، پرداختن به آثار امری لغو و بی فایده است. بنابراین پس از طرح مفهوم فرزند خواندگی، شرایط تحقق و شکل گیری نهاد را مطرح می سازیم تا در نهایت محدوده آثار آن مورد بررسی قرار گیرد.

هدف از این نوشته، بررسی فرزند خواندگی ورای یک دوره مشخص و شرایط زمانی و مکانی خاص است. این نهاد مانند هر پدیده اجتماعی دیگر نیازمند فهم و سپس تحلیل است. در این راستا، اگرچه توصیف فرزند

خواندگی در گذر زمان اجتناب ناپذیر است، اما در نهایت هر توصیف به منظور ارائه تحلیل واقع بینانه و بیان راهکاری شایسته به کار گرفته می شود تا نتیجه آن در حقوق آشکار گردد.

آنچه بر اهمیت این بررسی می افزاید، تصویب قوانین جدید در خصوص این نهاد حقوقی و مفاد این قوانین است که وضع فرزند خواندگی را تا حدود زیادی نسبت به گذشته تغییر داده و سبب تحول آن گشته اند. برخی از این تحولات در راستای بهبود وضع فرزند خواندگی، به ویژه فرزند خواندگان است، اما عمده تحولات چالش برانگیز و قابل انتقاد می باشد که از جمله آن ها، می توان به مواردی چون، جواز نکاح با فرزند خوانده در حقوق ایران و امکان پذیرش کودک توسط افراد هم جنس در حقوق انگلیس اشاره نمود، که انگیزه اصلی نگارنده در تحقیق حاضر و بررسی مجدد آن در سایه قوانین اخیر التصویب بوده است.

از این رو، روش به کار گرفته شده در این تحقیق تحلیلی - توصیفی و با رویکرد تطبیقی می باشد تا بتوان به مقایسه حقوق ایران با انگلیس پرداخت. این روش ما را قادر می سازد از راهکارها و تجربیات آن ها استفاده نموده و به فضای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی نیز توجه نماییم تا امری ناسازگار با حقوق داخلی ارائه نشود.

این تحقیق در چهار فصل تهیه و تدوین گشته است. در فصل اول کلیات مربوط به فرزند خواندگی، از جمله مفهوم آن و نیز مفاهیم مرتبط با آن و سیر تحول تاریخی آن را مورد بررسی قرار می دهیم. بی تردید بدون درک صحیح از مفهوم و کارکرد فرزند خواندگی در دوره های مختلف تاریخی و جوامع گوناگون نمی توان به درک و شناخت درستی از آن دست یافت. ضمن آنکه ورود مفاهیم جدید به این نهاد، در نتیجه تدوین قوانین جدید، ما را ناگزیر از بیان آن ها به منظور درک صحیح از این نهاد می سازد.

اگرچه هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل آثار فرزند خواندگی است، اما با توجه به تفاوت شرایط تحقق آن در فقه، حقوق ایران و انگلیس، بررسی شرایط تحقق فرزند خواندگی زمینه مورد نیاز برای ورود به بحث از آثار است، چرا که تفاوت این شرایط بر آثار مربوط به فرزند خواندگی در هر یک از نظام های یادشده بی تاثیر نخواهد بود. لذا، در فصل دوم به شرایط تحقق فرزند خواندگی، از جمله شرایط پذیرندگان و شرایط شخص پذیرفته شده و آیین دادرسی فرزند خواندگی خواهیم پرداخت. در این راستا، با توجه به منشأ آثار قابل تصور، آن ها را تحت دو مبحث آثار غیرمالی و آثار مالی مورد بررسی قرار خواهیم داد، که به ترتیب در فصل سوم و چهارم به آن ها می پردازیم.

فصل اول: کلیات

طرح مسئله:

هنگامی که بناست در رابطه با یک نهاد حقوقی سخن گفته شود، ابتدا باید معنا و مفهوم آن تبیین گردد. علاوه بر تبیین مفهوم یک نهاد حقوقی، بررسی سیر تحول آن نیز ضروری است. جز از این طریق، نه بحثی واقع بینانه خواهیم داشت و نه فایده‌ای بر آن مترتب خواهد گشت، زیرا وابستگی نهادهای حقوقی به ساختارها و تحولات اجتماعی و تاریخی، درک آن‌ها را بدون وقوف بر این تحولات غیرممکن می‌سازد. بنابراین، باید دید خلق یک ماهیت اعتباری بر چه مبنایی استوار گشته است. تنها پس از بررسی مفهوم و سیر تحول، بحث درباره احکام و آثار یک نهاد حقوقی ممکن و قابل پذیرش است. لذا بعد از ارائه تعریف مختصری از فرزند خواندگی (سرپرستی) از لحاظ لغوی و اصطلاحی و بیان اصطلاحات مرتبط با آن، سیر تحول تاریخی و اجتماعی آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱- تعاریف و مفاهیم

درک صحیح از احکام و آثار فرزند خواندگی، مستلزم تبیین معنا و مفهوم این نهاد حقوقی و تعریف مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با آن است. علاوه بر این، تغییراتی که اخیراً نسبت به قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳ اعمال و منجر به تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست در سال ۱۳۹۲ گردید، موجب ورود مفاهیم جدیدی همچون کودک و نوجوان بدسرپرست به این نهاد حقوقی گشت که ما را ناگزیر از بررسی این مفاهیم و اصطلاحات می‌سازد.

۱-۱-۱- مفهوم فرزند خواندگی

۱-۱-۱-۱- مفهوم لغوی

فرزند خواندگی، از حیث لغوی از «فرزند خواندن» گرفته شده است. «خواندگی» به معنای قبول کردن کودکی به جای فرزند آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰۴۲).

معادل عربی فرزندخواندگی واژه «دعی» است. دعی (بر وزن فعیل) مشتق از «دعو، دعا» است که به معنی صدازدن، خواندن، دعوت کردن و نامیدن است (آذرنوش، ۱۳۸۶: ۱۹۷).

در اصطلاح فقها، دعی کسی است که پسر خوانده گشته است، درحالی که از نظر ولادت و نسب به دیگری منسوب است. ادعیا، جمع دعی و به معنی پسرانی که به غیر پدرشان منسوب شده اند می باشد. در زبان عربی واژه «تبنی» را نیز معادل فرزند خواندگی آورده اند. «تبنی» عبارت از این است که در خانواده، مردی پسری را که از نسل و صلب مرد دیگری تولد یافته است، به فرزند خود در آورد و او را پسر خود بخواند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۶۱).

به کار بردن واژه تبنی به جای فرزند خواندگی، چنانچه اشاره خواهیم کرد، کاملاً نادرست است، زیرا واژه تبنی از «ابن» اتخاذ شده است که معنای دقیق آن پسر گرفتن است و با سابقه تاریخی این نهاد در میان اعراب کاملاً تناسب دارد، زیرا فرزند خواندگی در ابتدا شامل اولاد ذکور بوده و اولاد انثا را در بر نمی گرفته است.

معادل انگلیسی فرزند خواندگی «Adoption» از واژه Adopt گرفته شده است که به معنی قبول کردن، نام گذاردن، به فرزند پذیرفتن است (آریانپور کاشانی، ۱۳۸۲: ۲۳).

ادعا شده است که فرزند خواندگی ترجمه غلطی از «Adoption» است که در اصل باید «فرزند خوانی» ترجمه می شده با این استدلال که بیانگر عمل کسی است که کودکی را به فرزند خود می خواند و اینکه فرزند خواندگی ناظر به حالت حقوقی شخص فرزند خوانده است (واحدی، ۱۳۸۷: ۹۳).

منتها در نقد این ادعا چنانچه برخی دیگر گفته اند، باید دانست که:

اولاً؛ این نام گذاری (فرزند خوانی) بر حسب شکل و قالب حقوقی نهاد است و وابسته به این است که ابتدائاً در خصوص آن تعیین تکلیف گردد.

ثانیاً؛ این استدلال در صورتی درست است که اصطلاح «پدر خواندگی»، «مادر خواندگی»، «خواهر خواندگی» ... نیز در عالم حقوق مورد وضع قرار گرفته باشند، در حالی که اینگونه نیست و این خود نشان می دهد که فرزند خواندگی، اصطلاحی است که برای نام گذاری بر کل نهاد وضع گردیده و وضع حقوقی تمام افراد ذیربط در آن مورد بحث قرار می گیرد (شریعتی نسب، ۱۳۹۰: ۲۶).